

رژیسور



■ انتشارات: سوره مهر
■ سال نشر: ۱۳۹۶
■ تعداد صفحه: ۷۰۴

«رژیسور» سعید تشکری نخستین جلد از تریلوژی داستانی او درباره روشنفکران مشهد طی صد سال اخیر است که چند سال پس از انتشار مجلد دوم و سوم این سه گانه با عنوان «پاریس پاریس» و «مفتون و فیروزه» به بازار آمده است. داستان این کتاب مضمونی عاشقانه دارد و در کنار روایتی عاطفی از رابطه یک مترجم زبان فارسی دانشگاه سن پترزبورگ به نام نینا با افسری روسی، ماجرای به توپ بستن حرم رضوی به دست ارتش روسیه تزاری را نیز روایت می کند.

مفتون و فیروزه



■ انتشارات: کتاب نیستان
■ دو جلد
■ تعداد صفحه: ۱۱۰۸
■ سال نشر: ۱۳۹۳

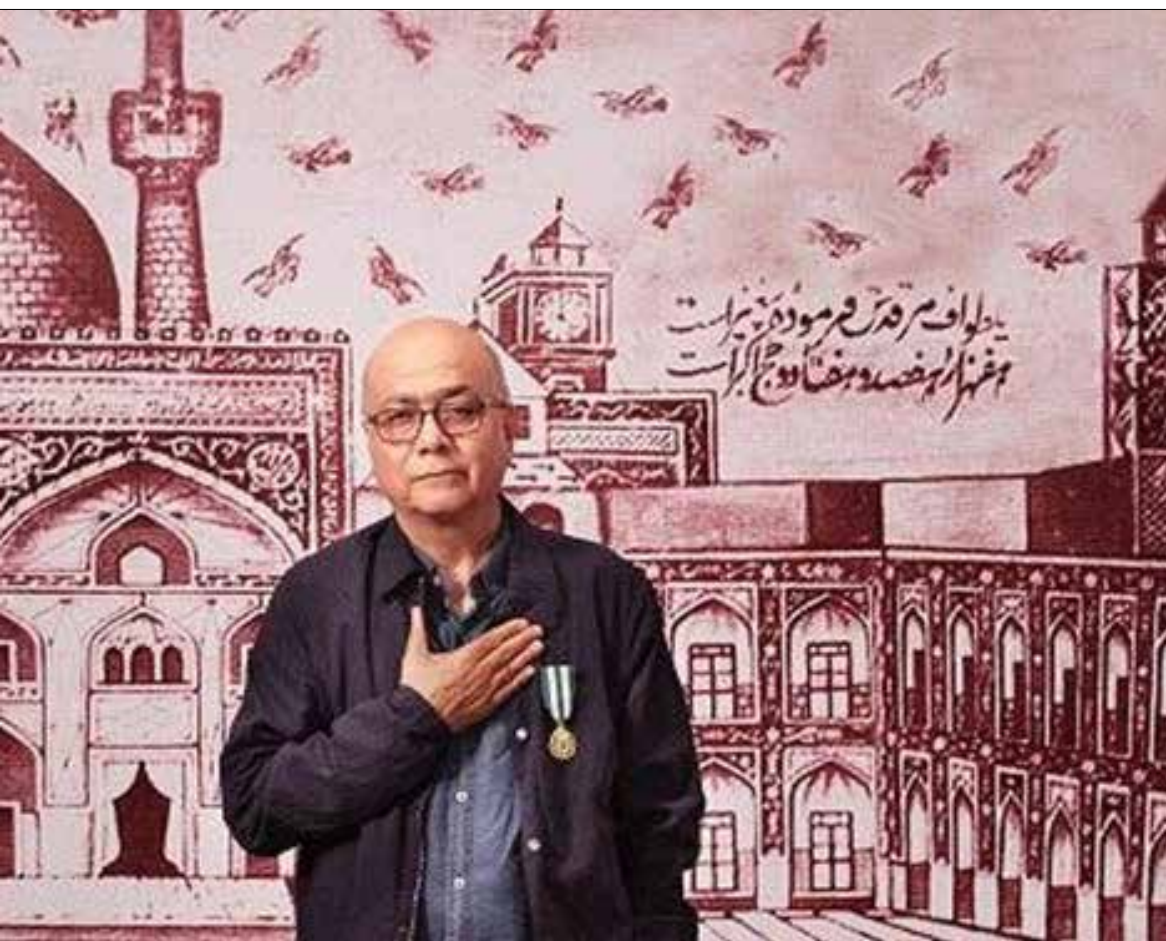
«مفتون و فیروزه» رمانی است دو جلدی که به تعبیر نویسنده، می توان آن را تاریخ خصوصی ملت ایران در قالب داستان و رمان پنداشت و جدای از آن می شود به سادگی و با اطمینان خاطر عنوان داشت که این رمان و آنچه به عنوان سیر داستانی در آن یاد می شود چیزی بیشتر از تاریخ خصوصی و شناسایی پرده ای مغفول و ناشناخته از تاریخ انقلاب است که برای نخستین بار از زاویه دید فعالان فرهنگی و نه سیاسی روایت می شود.

هرایی



■ انتشارات: کتاب نیستان
■ تعداد صفحه: ۱۸۰
■ سال نشر: ۱۳۹۹

تشکری در یکی از مصاحبه هایش درباره این رمان اینطور گفته است: «من در «هرایی» می خواستم نشان دهم که انسان ها چقدر می توانند پای نذرشان بایستند، وقتی آرزویی دارند و نذری برای رسیدن به آن می کنند و آن آرزو برآورده می شود؛ چقدر و تا کجا به نذرشان وفادارند؟ وفاداری به عهد شخصی که این عهد شخصی با خودش عهد کاری، اجتماعی و اخلاقی می آورد. بنابراین رمان «هرایی» درباره این فراز و نشیب و دوگانگی هویت و وفای به عهد است.»



هنرمندی دلباخته و نویسنده ای متعهد

به یاد «سعید تشکری» رمان نویس، نمایشنامه نویس و کارگردان خراسانی

بخش عمده ای از زندگی حرفه ای سعید تشکری در مرکز حوزه هنری خراسان رضوی و حوزه هنری تهران شکل گرفت.

موفق در تئاتر و ادبیات

جاذبه های پایتخت برای این جوان قوچانی هرگز سبب نشد که خراسان و متعلقات فرهنگی و دینی اش را فراموش کند. به گواه آنهایی که او را می شناسند، تشکری هرگز از آنهایی نبود که ترک دیار می کنند و زادگاه فراموش شان می شود، مصداقش را هم می توان در لقبی دانست که به آن شهره بود، رد پای علاقه وافرش به امام رضا(ع) در بخش عمده ای از کارهای او دیده می شود. آنچنان که حتی وقتی خبر درگذشت وی منتشر شد، یکی از نخستین مؤلفه هایی که در مرور شخصیت و زندگی حرفه ای اش به ذهن خطور می کرد این بود که زندگی کاری حدود چهار ساله اش به امام هشتم گره خورده بود. تیرماه سال ۱۳۹۹ همزمان با دهه کرامت وی به عنوان خادم فرهنگ رضوی معرفی شد.

در نتیجه همین نگاه هم می توان تشکری را در زمره نخستین نمایشنامه نویسانی دانست که به حوزه تئاتر دینی علاقه نشان داد. هرچند که در نهایت برخی بی توجهی ها به نمایشنامه نویسی مان سبب شد که بخشی از کار خود را بر داستان نویسی متمرکز کند. البته خوشبختانه او با وجود استعدادی که در عرصه تئاتر از خود نشان داده بود

پیروزی انقلاب به این علاقه مندی سر و شکلی علمی و آکادمیک داد و در نهایت از رشته ادبیات نمایشی فارغ التحصیل شد. تشکری هرگز این دو عرصه فرهنگی را رها نکرد، آنچنان که تئاترهای او به عنوان عضوی از خانواده خود و نویسندگان هم وی را از خود می دانند.

نویسنده و هنرمندی فراچنانی

اما آنچه تشکری را به نویسنده ای شاخص در عرصه ادبیات و حتی فراتر از آن سینما، تلویزیون و تئاترمان تبدیل کرد این است که مخلوقات ادبی - هنری اش مورد قبول اغلب اهالی فرهنگ و هنر بودند، فرقی هم نداشت که بحث کدام طیف یا گروه فکری داخلی در میان باشد. اغلب معتقد به برخورداری وی از جایگاهی مقبول در عرصه هایی بودند که در آنها فعالیت داشت.

با این حال نویسندگان و هنرمندان انقلابی او را بیش از همه بر خاسته از حوزه هنری می دانند، شاید از جهاتی بتوان تشکری را با افرادی نظیر زنده یاد قیصر امین پور مقایسه کرد که نام وی نیز به تاریخچه این مرکز فرهنگی - هنری گره خورده است؛ البته با این تفاوت که قیصر از بانیان حوزه هنری بوده ولی تشکری از تربیت یافتگان آن. با این حال بخش مهمی از زندگی هر دو آنها در این مؤسسه گذشته است. بنابراین مسأله هم می توان حضور وی را در همه جریان های ادبی و تئاتری انقلاب کشورمان، از همان بدو امر دید.

ماه های پایانی سال با فقدان یکی دیگر از چهره های فرهنگی مان همراه شد، مردی که در میان تئاتری ها نمایشنامه نویسی شاخص به شمار می آمد و سینمایی ها و تلویزیونی ها هم او را یکی از خود می دانستند. اما آنچه بیش از همه سبب درخشش نام وی شد، سال ها فعالیت ادبی اش در حوزه کتاب است؛ تعهدی که به عنوان یک نویسنده هرگز از قلم و کارنامه کاری اش جدا نشد. این نویسنده، کارگردان و نمایشنامه نویس کشورمان، نوزدهم بهمن ماه با زندگی وداع گفت، هر چند که با مخلوقات ادبی و هنری اش برای همیشه بخشی از فرهنگمان باقی خواهد ماند.

وداعی زود هنگام

خاک در حالی او را به آغوش کشید که سن و سال چندان نداشت، شاید اگر بیماری جانش را نمی ربود فرهنگمان بیش از اینها می توانست از حضورش بهره مند شود. سعید تشکری خراسانی ۵۸ سال قبل در قوچان، شهری از استان خراسان رضوی دیده به زندگی گشود. آغاز علاقه مندی اش به کارهای هنری را می توان در سال های کودکی اش جست، دورانی که بخشی از آن به حضور در کلاس های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گذشت. با کلاس های خلاق داستان نویسی کانون به دنیای بی انتهای ادبیات قدم گذاشت. بعدتر با تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا، آن هم در بحبوحه